

تاریخ گیلان

ترجمه - محمد علی کیلک
تألیف آ. شودزگو

مقدمه - بنام تاریخ گیلان کتابی که تا کنون بطبع رسیده همان تاریخ سید ظهیرالدین مرعشی است که بتاریخ را بینو نیز معروف می باشد. این تاریخ از واقعات قوم و کسک و در حقیقت از گذارش قطعات طرف مغرب و شمال غربی گیلان چیزی ننوشته و بطور عمده عملیات و جنگ های سادات کیا و حکومت آنان را در مشرق و شمال شرقی گیلان شرح می دهد.

کتاب دیگری تقریباً در حدود قبل از سیصد سال عبدالفتاح قومنی معروف بقاضی قومنی بنام تاریخ گیلان نوشته و در آنجا سلطنت امیر د باج پادشاه قومنت و واقعات آن اوقات و جنگ های امیر مذکور را با خان احمدخان سلطان لاهیجان و شرح حال سلطان اخیرالذکر و امراء و برزگان قومن را در همان عصر نقل مینماید. این کتاب هنوز به چاپ نرسیده و نسخه های خطی کامل آن فوق العاده کمیاب است قدیمی تر از خود تاریخ فوق الذکر کتاب خطی دیگری موجود است که بنام سید جلال الدین اشرف موسوم می باشد. مشروحات کتاب مذکور همه جا آمیخته با تعصبات مذهبی و استفاده از آن بی نهایت مشکل است سید جلال الدین اشرف پسر امام موسی کاظم ۴ زمان اقامت برادر خویش امام رضا ۴ در خراسان، برای تبلیغات باین صفحات آمده، بعد از جنگ های زیادی که بمعیت سردار معروف خود حسن بیك با نعمان پادشاه قطعات شرقی و جنوب شرقی گیلان مینماید و بعد از مسموم شدن برادرش بالاخره شهید و نزدیکی لاهیجان در قریه معروف به «آستانه» که اکنون زیارتگاه است مدفون میگردد.

مورخین و مطلعین اروپائی نیز از زمان قدیم و جدید راجع به نواحی و طوایف خزر و طبرستان و گیلان هر يك بنوبه خود قلمفرسائی کرده و قسمتیهائی نوشته اند از آن جمله «شودزگر» مؤلف همین کتاب است که در سال ۱۸۵۰ - ۱۸۴۹ میلادی از طرف ملت روسیه در رشت قونسول بوده و نتیجه مطالعات و تحقیقات یکساله خود را راجع بگیلان به زبان فرانسه نوشته و در مونت پلیده جزء منتشرات يك جریده علمی آنرا بطبع رسانیده مؤلف محترم در کتاب خود تنها بشرح تاریخی اکتفا نکرده و بطوریکه فهرست آن ملاحظه میگردد وضع تاریخی و جغرافیائی و سیاسی و اقتصادی گیلان را که نهایت درجه مفید و سودمند است به رشته تحریر در آورده و با آنکه مأمور سیاسی بود بهیچوجه در رعایت جنبه بیطرفی خود داری نکرده و ذکر حقایق را بر مقصود سیاسی رجحان داد . م . گیلک

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



گیلان

- یا -

زمینهای باطلای دریای خزر

تشریح تاریخی و جغرافیائی قطعاتی که در سواحل جنوبی دریای خزر واقعند. شکل خارجی جغرافیائی ایالت گیلان - وجه تمایز - تاریخ - عصر قدیم - منظره عمومی مملکت - قراء - آبها - جاده ها - جنگلها و میوهجات آب و هوا - باد - باد گرم - ساکنین - جمعیت - اصطلاحات - مذهب - قوای - ملح - استحصالات کارخانه - پارچه ها - کلدوزی - ارزش مسکوک - اوزان و مقیاس - مالیات - تجارت -

بزرگترین دریاچه های آب شور آسیا ، دریای خزر اسم دارد ، جائیکه آبهای قفقاز و اورال در آنجا میریزد .
 جبال قفقاز همینکه از دهنه تنگ تنگه بیرون آمد ، کاملاً وسعت می یابد و رشته های فراوانی بطرف جنوب امتداد میدهد ، صحرای مغان انتظام آنرا بهم زده و از آن پس بواسطه دوسیل عمیق که سرچشمه رود کورا (سیروس) وارس (اراکس) را تشکیل میدهد منقطع و در ملتقای دو رودخانه مذکور به دو رشته تقسیم می شود :

یک رشته سمت راست بطرف ارمنستان رفته و در آنجا به ارتفاع ۱۳ هزار پا میرسد و بالاخره از کوه آرارات (آغری داغ) گذشته به کردستان آسیای صغیر و شامات کشیده شده و در صحرای عربستان خاتمه مییابد .
 رشته دیگر سمت چپ امتداد گرفته و مجدداً به بحر خزر نزدیک و سلسله می را تشکیل میدهد که عرض آن ۶۰ فرسخ و تمام سواحل

جنوبی را فرا گرفته است. این سلسله بین استراباد و بسطام منحرف و بسمت خراسان شمالی، مرغاب، افغانستان و کندوز رفته و انجا باهند و قفقاز مخلوط می شود.

از رشته‌ئی که دو قفقاز را بیکدیگر مربوط مینماید، ماقسمتی را طرف مباحنه قرار میدهم که در طول سواحل جنوبی دریای خزر واقع و از آستارا تا استراباد با اسم جبال خزر، اسمیکه جغرافیا شناسهای یونانی برای آن وضع کرده‌اند، موسوم میگردد. مرتفع‌ترین قله آن، قله دماوند است که در حدود ۱۲ هزار یا ارتفاع دارد.

رشته جبال مذکور هیچ جابطور توازی در محسوطه ساحلی پیش نیامده است، در سخت سر بدریا نزدیک میشود ولی در حوالی رشت فاصله معتنابهی گرفته و در طول خود، همه جا برطبق شرایط ارضی و تفاوت آب و هوا کم و بیش نزدیک میگردد.

استرابان، جبال خزر را در قسمت سفلی که بدریا منتهی شده است به هلال تشبیه میکند و این تشبیه کاملاً مقرون بصدق است. رویهم رفته منظره آن يك حصار عظیم البنیان را نشان میدهد که بطور نیم دایره در ساحل دریا گذاشته باشند. قبلا قله منبت شده با احجار کوچک که یکی از بی دیگسری دیواره تشکیل داده و در هیچ جا قطع نمی شود، پدید میگردد. بعد، همینکه رنگ سفید متمایل بخاکستری کم‌رنگ‌های برهنه و بامستور از برف از نظر دور شد، جنگلهائی دیده می شود که باشاخه و برگ انبوه و نوری هم رفته خود، تمام دامنه کوه را پوشانیده و از دریا فقط بوسیله يك خط کم عرض ریک‌زار ساحلی، فاصله میگیرد. این خط مثل یکنوار زردی است که بین دورنگ سبز و آبی جنگلی و دریا واقع شده باشد. محدوده واقعه در میان يك سلسله کوه پیراز فراز و تشیب و دریا که در اثر این وضعیت طبیعی از

سایر قطعات ایران جدا شده است ، بهیچوجه نه از حیث محصول و نه از جهت منظره و موقعیت ، با قسمتهای مجاور خود دارای شباهت نیست . مه بحری که در سواحل شرقی ، در ریک زار و سحرای بی حاصل دشت قیچاق بدون هیچ فایده و ثمر دیده می شود ، در اینجا یک تنمیه ورشد کامل نباتی را وسیله میگردد . در انبراد و تجزیه و تحلیل اشعه آفتاب و محاصره جبال ، مه پائین آمده و قبل از آنکه بتواند مرتفع و منبسط بشود بحال غلظت یک باران ریز و گرم به نباتات عطا میکنند و این باعث می شود که گیاه پژمرده و خشک انباشته شده از قوتها مجدداً سبز شود . قوت و سرعت توسعه نباتات در این سامان بی نهایت است اما از قتل کوه تجاوز نمیکنند و هیچ چیز محزون تر از دیدن مناظر آن طرف نیست زیرا فاقد هرگونه طراوت است مانند کوه های خلخال که از خاک رس و ریک قرمز مرکب بوده و دشتهای خمه و فزوبین و طهران و سمنان و دامغان و بسطام که همه لم یزرع است . سبزه و آب در آن طرف ها همانقدر نایاب است که در این طرف بحد و فور بافت می شود و برای رفتن از یک آبا دی به آبادی دیگر باید مسافت بسیاری را که دارای کوه و دشت بی حاصل است طی نمود . گیلانها در زبان اغراق میگویند : «عبیری که فاقد قوای حاصل دهنده طبیعی است ، این گذر گاهی که از زندگی بمرگ منتهی می شود بهیچوجه با زمین ما فاصله ندارد اگر در واس یکی از کوه های گیلان بمانید قسمتی از ریش شما که اینطرف است با عطر گلهای مامعطر میشود و حال آنکه قسمت دیگر مانند سحرای آنطرف کوه پراز کرد و غبار میگردد .

طول محوطه ای که با سلسله جبال خزر محدود میشود ۱۰۹ فرسنگ و نیم یا ۴۳۸ میل انگلیسی است †

ایالت استرآباد ۱۲ فرسخ و نیم ، مازندران ۸ فرسخ و نیم ، گیلان ۳۷ فرسخ - آذربایجان یک فرسخ و نیم این محدوده را اشغال کرده است رودخانه

آستارا فاصله آن از روسیه بوده ورود قراسو نزدیکی استرا باد آنرا از دشت قباچاق جدا میکنند .

طبیعت و با خصوصیات آن که تقسیمات سیاسی و اداری در هیچ جا قادر به تغییر آن نشده است همه این قطعات را نظیر یکدیگر قرار داده ، مثلاً همه جا همان فراوانی ثروت طبیعی و در عین حال همان امراض دیده می شود که نتیجه اینطور جلب نفع است . هوای ناسالم این فضا مثل يك گرمخانه و تقریباً باعث هلاکت است ، و قتیکه به این هوا وضعیت سخت و خطرناك كوه و باران که در هر سال هفت ماه سلطنت دارد و همه و زمینهای با تلاقی اضافه شود ، آنوقت بخوبی مفهوم میگردد که چطور ساکنین ناحیه مذکور در اثر موقعیت محلی موفق شده اند استقلال خود را در حدود چندین قرن حفظ نمایند . در حال حاضر با آنکه که بن ، هانزوی ، ژوبر ، ترمزل ، فرازر و سایر مسافران مطلع ، هر يك اطلاعاتی بما داده ولی نتوانسته اند مدتی اقامت نمایند تا بفراغت ، معلومات بالنسبه کاملی بدست آورند با این وصف باز هم کاملاً به شناختن آن موفقیت حاصل نشده است . اگر بتوان برای چند سال در این حدود ، اقامت اختیار کرد تشریح تاریخی ایالت تروتمند گیلان بهتر مقدور میگردد . شاه عباس و بطرکبیر اهمیت تجارتی و سیاسی آنرا حدس زده بودند شاید فتح پنجاب در این چند ماهه و ضمیمه شدن آن به هند انگلیس ، بهترین دلیل باشد که اتفاقات و واقعات پیش بینی شده این دومرد بزرگ میدرفت تسریع شود .

وجه تسمیه ایالت گیلان - حدود و تقسیمات اداری آن

نام این ایالت که اهالی آنرا به تفاوت به گیل ، گیلان و گیلانات موسوم کرده اند و ضمناً يك ناحیه با تلاقی را شامل است ، معرف کلمه گل است . گل در زبان بومی ، خاک آلوده به آب را گویند و گیلان یا گیلانات جمع همین کلمه است . از اینکه فرو نشستگی زمین قطعه مذکور بیشتر از

سایر قطعات است جای شبهه نیست و ممکن است همین موضوع را بخند اسم گذاری بوده باشد.

آبیاری این صفحه در اثر سیل های زیادی است که در شکاف های جبال خزر تشکیل میگردد و بک رطوبت دائم سطح آنرا فرا گرفته و زمینش بواسطه کمی سرازیری مانع از جریان سریع آب میباشد.

محوطه ۳۷ فرسنگ یا محدوده گیلان در شمال به رود لومیر منتهی میشود که فاصله آن است بایک ناحیه بحری اردبیل و از سمت جنوب برودخانه سفید تمش متصل میگردد که حدود بین آن و قنکابن (یکی از بلوک مازندران) را تعیین مینماید قطعه واقعه بین مصب در رود فوق الذکر طول ایالت و قسمت بین قتل کوه و سطح دریا که بتفاوت از ۱۲ تا ۲۵ فرسخ مسافت دارد عرض آنرا نشان میدهد و این قطعه با نواحی بومی قزوین و آذربایجان همجواری میباشد.

تقسیمات اداری گیلان یا تشکیلات کنونی آن

در سنه ۱۸۴۰ میلادی در رشت که حاکم نشین ایالت مذکور است دربار طهران دو نفر حاکم داشت یکی اسما و دیگری عملا کارها را اداره میکردند. شاهزاده یحیی میرزا عموی شاه در قسمت اجرائیات امور ایالت دخالتی نداشته ولی دستخط و فرامین سلطنتی عموماً باسم او صادر میگردد امان الله خان که بلقب حاکم مفتخر است آنها را میخواند و بوسیله حکومت های جزاء اجرا مینمود.

گیلان به هفت ناحیه و هر ناحیه به چندین بلوک تقسیم شده است و آنها

از سرحد شمالی عبارت اند از :

۱ - کرگانرود که بواسطه رود لومیر و کوه های آقا اولر از اردبیل فاصله گرفته و رودخانه نوارود آنرا از اسالم جدا میسازد. قریه هشت پیر مرکز آن است و بالاخان فرمانده دسته جات نظامی طالش بطور وراثت حکومت ناحیه مذکور را دارا میباشد. مجاورت کوه بدریا سبب تاظیف آب و

هوای کرگانرود گردیده ولی زمین آن مانند سایر نقاط گیلان حاصلخیز نیست جو و گندم در آنجا بهتر از برنج و توت بعمل می آید مراتع بسیار بسیاری دارد که آذوقه چهار پایان شاخ دار را از هر حیث تامین میکنند. عسل و موم آن مشهور است و آنرا زنبور ها از جنگلهای درخت زیرفون که سطح ۹۶ فرسنگ مربع را فرا گرفته است تهیه میکنند .

۲ - اسالم ، رودخانه نوآرود فاصله آن است با کرگانرود و بوسیله دینه چال از کسگر جدا شده و بلند ترین کوه های آن در مجاورت خلخال واقع است مرکز دینه سرا و حاکمش مصطفی خان نام دارد . محصول این محدوده کوچک مانند محصول کرگانرود بوده هفت قریه و ۱۴ فرسنگ مربع سطح دارد .

۳ - کسگر که مرکزش نیز همین نام است و اقامتگاه امیران قدرتمند سابقه آن اکنون وجود ندارد فتحعلی شاه این مملکت مستقل را جزو نواحی گیلان و به پنج بلوک تقسیم نمود و همه تابع حاکم ایالتی میباشند . الف - شیله دولاب و طالش دولاب یا دولاب سفلی و علیا که حاکم آن علی قلی خان و مرکزش یونل نام دارد .

محصول دولاب علیا عبارت است از برنج گندم و عسل . کار با کوهان و کله های کوسفند در اینجا فراوان دیده میشود . دولاب سفلی دارای زراعت برنج و پرورش کرم ابریشم است رودخانه دینه چال آنرا از اسالم جدا کرده و نهر آبگیر فاصله بین آن و کله کسگر را تشکیل میدهد و ۸۶ فرسنگ مربع سطح دارد .

ب - انزلی با چهار قسمت جزء [فیربضه] که عبارت است از کولی و ر ، بشم ، سنگ چین ، و کیپورچال چهار فرسخ مسافت داشته و در بین مرداب انزلی و دریای واقع و حاکمش احمد بیگ و مرکز آن نیز انزلی نام دارد .